irannewspaper.ir

دوشنبه • ۳۰ شهریور ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۲۸
• اذان ظهر ۱۱/۵۷ • اذان مغرب ۱۸/۲۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۶ • اذان صبح فردا ۰۴/۲۸ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۵۲

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
هیچ آسایش و لذتی گواراتر از حسن خلق نیست.

غرر الحکم و درر الکلم

همیشه با تو... ایران

نقل قول

به ایرانم، ایران جاودانه‌ام
معنای زنده بودن من، با تو بودن است
نزدیک، دور، سیر، گرسنه
رها، اسیر
دلتنگ، شاد
آن لحظه‌ای که بی تو سرآید مرا، مباد!
مفهوم مرگ من
در راه سرفرازی تو، در کنار تو
مفهوم زندگی است.
معنای عشق نیز
در سرنوشت من
با تو، همیشه با تو، با تو، زیستن.

«همیشه با تو» از فریدون مشیری
به مناسبت ۳۰ شهریور، سالروز تولد این شاعر معاصر

پرفورمنس «فرشته حسینی» در «تن منهای من»

فرشته حسینی در تجربه‌ای متفاوت به سراغ تئاتر-پرفورمنس رفته است. او در «تن منهای من» به کارگردانی پیام قربانی، نقشی چالش‌برانگیز را ایفا می‌کند که با متن و اجرایی تجربی همراه است. حسینی در این اثر با فاصله گرفتن از کلیشه‌های معمول بازیگری، در فضای سالن «تئاتر لبخند» به دنبال روایتی از رهایی است. این حضور، گام تازه‌ای در مسیر آزمون‌گری‌های این بازیگر در مدیوم‌های مختلف هنری محسوب می‌شود. /**مهر**

«بهرام رادان» و تکمیل سه‌گانه اسطوره‌ای

بهرام رادان با حضور در کنسرت‌نمایش «سیاوش»، سومین گام از مسیر بلندپروازانه‌اش در بازخوانی اسطوره‌های ایرانی را برمی‌دارد. او پس از تجربه موفق «سی» (در نقش زال) و «سی‌صد» (در نقش گلشاه)، این بار تراژدی «سیاوش» را روی صحنه برده است. رادان با انتخاب هوشمندانه این پروژه‌های حماسی، تلاش دارد پیوند میان چهره‌های سوپراستار سینما و کهن‌الگوهای شاهنامه را با مخاطب پرشمار تئاتر حفظ کند؛ حضوری که با استقبال مخاطبان، اجرایش را به تمدید کشانده است. /**صبا**

«جرمی آلن وایت» در کانون جدال حقوقی زندگی زاکربرگ

جرمی آلن وایت که با سریال پرمخاطب «خرس» محبوبیت جهانی کسب کرد، حالا با فیلم «تسویه اجتماعی» به کارگردانی آرون سورکین بازگشته است. او در این پروژه در کنار تیمی از بازیگران مطرح قرار گرفته تا روایتی از دنیای پیچیده مارک زاکربرگ را به تصویر بکشد. سونی یک مؤسسه حقوقی خارج از شرکت را برای بررسی دقیق فیلم استخدام کرده تا مطمئن شود هر چیزی که به‌عنوان واقعیت ارائه می‌شود، واقعاً حقیقت داشته باشد. /**دنیای تصویر**

با افتتاح پردیس سینمایی در خراسان رضوی رقم خورد

سینما در مسیر اقتصاد فرهنگ

گزارش

گروه فرهنگی

افتتاح سینمایی در خراسان رضوی در روز شنبه ۲۸ شهریورماه، فرصتی بود تا بار دیگر موضوع توسعه زیرساخت‌های سینمایی و نسبت آن با اقتصاد فرهنگ، گردشگری و دسترسی عمومی به سینما مورد توجه قرار گیرد. رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی کشور، در مراسم افتتاح این مجموعه تأکید کرد که زیرساخت‌های سینمایی صرفاً برای ایجاد فضایی جهت تفریح و سرگرمی نیست، بلکه با تکمیل زنجیره اقتصاد فرهنگی، حوزه‌های آموزش، فرهنگ و اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. او همچنین با اشاره به ظرفیت سینمایی خراسان رضوی، توسعه سالن‌ها در شهرستان‌های فاقد سینما، بویژه شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت را از برنامه‌های سازمان سینمایی عنوان کرد.

همزمان، مسئولان استان خراسان رضوی نیز از ظرفیت مجموعه پدیده برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی، افزایش ماندگاری زائران و گردشگران سخن گفتند. چراکه این اتفاق در نقطه تلاقی سه حوزه «سینما»، «اقتصاد فرهنگ» و «گردشگری» قرار گرفته است.

سینما؛ فراتر از یک سالن نمایش

افزوده شدن سالن‌های سینما به ظرفیت نمایش کشور، در نگاه اول به معنای فراهم شدن امکان تماشای فیلم برای تعداد بیشتری از مخاطبان است، اما اهمیت اقتصادی آن به زنجیره‌ای گسترده‌تر بازمی‌گردد. فیلم زمانی می‌تواند به محصول اقتصادی تبدیل شود که پس از تولید، امکان توزیع و نمایش آن نیز وجود داشته باشد. بنابراین، کمبود سالن می‌تواند حلقه اکران را تضعیف کند و در نهایت بر اقتصاد تولید نیز اثر بگذارد. از همین منظر، سخنان رئیس سازمان سینمایی درباره «زنجیره اقتصاد فرهنگی» قابل توجه است. سینما تنها یک محصول سرگرمی نیست؛ تولید فیلم، اکران، اشتغال، تبلیغات، خدمات فنی، فروش بلیت و فعالیت مجموعه‌های تجاری پیرامون سالن، همگی بخشی از چرخه‌ای هستند که با توسعه زیرساخت می‌توانند فعال‌تر شوند. سالن سینما همچنین یک فضای اجتماعی است. تجربه تماشای فیلم در کنار خانواده و دوستان، با تماشای اثر در فضای شخصی تفاوت دارد و به همین دلیل، توسعه سالن‌ها می‌تواند بخشی از سیاست‌های مرتبط با اوقات فراغت و مصرف فرهنگی جامعه نیز باشد.

> افتتاح سینمایی در خراسان رضوی را می‌توان بخشی از روند گسترده‌تر توسعه زیرساخت سینمایی کشور دانست؛ روندی که اگر با توزیع متوازن سالن‌ها، مشارکت بخش خصوصی، برنامه‌ریزی فرهنگی و توجه به قدرت خرید مخاطبان همراه شود، می‌تواند از سطح ساخت چند سالن فراتر برود

معادله دسترسی تهران در برابر شهرستان‌ها

یکی از نکات مهم مطرح‌شده در این مراسم، برنامه سازمان سینمایی برای توسعه سالن‌هاست که فاقد سینما هستند. این موضوع نشان می‌دهد مسأله سینمای ایران فقط کمبود ظرفیت در برخی نقاط نیست، بلکه توزیع ناموازن زیرساخت نیز اهمیت دارد.

در شهرهای فاقد سینما، مخاطب برای تماشای یک فیلم ناچار است به شهر دیگری مراجعه کند. در چنین شرایطی، هزینه واقعی سینما فقط قیمت بلیت نیست؛ هزینه رفت‌وآمد، زمان و دشواری دسترسی نیز به آن اضافه می‌شود. بنابراین، ایجاد حتی یک سالن سینما در چنین شهرهایی می‌تواند به معنای ایجاد یک امکان فرهنگی جدید برای ساکنان آن منطقه باشد. خراسان رضوی نیز از این منظر اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق اظهارات فریدزاده، استان خراسان رضوی از نظر تعداد سالن و ظرفیت سینمایی در رتبه دوم کشور قرار دارد و مشهد نیز پس از تهران، از شهرهایی است که دارای بیشترین مخاطب سینماست.

پیوند سینما با گردشگری

سینمای تازه‌تأسیس در خراسان رضوی از این جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در یک مجموعه گردشگری قرار گرفته است. در چنین فضایی، سینما می‌تواند به یکی از اجزای سبد تفریحی خانواده‌ها تبدیل شود.

این مدل، امکان ایجاد یک چرخه اقتصادی میان سینما و سایر فعالیت‌های تجاری را فراهم می‌کند. خانواده‌ای که با هدف تفریح یا خرید به یک مجموعه مراجعه کرده است، می‌تواند بخشی از زمان حضور خود را به تماشای فیلم اختصاص دهد و متقابلاً حضور مخاطبان سینما نیز می‌تواند به استفاده بیشتر از سایر خدمات مجموعه منجر شود. استمرار برنامه‌های فرهنگی، جذب مخاطب، تنوع رویدادها و پیوند میان فعالیت‌های هنری و گردشگری عواملی هستند که می‌توانند این ظرفیت را به یک مزیت پایدار تبدیل کنند.

قیمت بلیت چالش همیشگی اقتصاد سینما

در کنار توسعه زیرساخت، مسأله قیمت بلیت یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی اقتصاد سینماست. فریدزاده در این مراسم با اشاره به افزایش هزینه‌های تولید، نگهداری و اداره سالن‌ها، تأکید کرد که باید میان هزینه‌های سینماداران و تولیدکنندگان و توان اقتصادی مخاطبان تعادل برقرار شود. این مسأله در شرایط تورمی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. افزایش هزینه‌های سینما اجتناب‌ناپذیر است، اما افزایش قیمت بلیت نیز مستقیماً بر تصمیم مخاطب برای رفتن به سینما اثر می‌گذارد. بنابراین، اقتصاد سینما با یک معادله دوطرفه مواجه است: سینمادار برای ادامه فعالیت به درآمد کافی نیاز دارد و مخاطب نیز باید توان پرداخت قیمت بلیت را داشته باشد. در این میان، کیفیت تجربه سینمایی اهمیت پیدا می‌کند. سالن مدرن، امکانات مناسب، دسترسی آسان و اکران آثار متنوع می‌تواند بخشی از ارزش اقتصادی بلیت را برای مخاطب توجیه کند. به همین دلیل، توسعه زیرساخت را نمی‌توان جدا از کیفیت خدمات و سیاست قیمت‌گذاری بررسی کرد. افتتاح هر سینما در کشور را می‌توان بخشی از روند گسترده‌تر توسعه زیرساخت سینمایی کشور دانست؛ روندی که اگر با توزیع متوازن سالن‌ها، مشارکت بخش خصوصی، برنامه‌ریزی فرهنگی و توجه به قدرت خرید مخاطبان همراه شود، می‌تواند از سطح ساخت چند سالن فراتر برود. در چنین شرایطی، سینما نه فقط محلی برای تماشای فیلم، بلکه بخشی از اقتصاد فرهنگ، صنعت گردشگری و زندگی اجتماعی شهرها خواهد بود.

تحلیل فرهنگی روز

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

به بهانه شایعه فوت امیر نوری بازیگر

مرگ مجازی در عصر کلیک

شایعه مرگ امیر نوری، بازیگر سینما و تلویزیون، بار دیگر پدیده‌ای آشنا اما نگران‌کننده را در فضای مجازی پیش چشم ما گذاشت. مرگِ یک چهره شناخته‌شده، پیش از آنکه واقعیت داشته باشد، به «خبر» تبدیل می‌شود. امیر نوری که پس از یک سانحه رانندگی در بیمارستان بستری شده بود، با انتشار شایعاتی درباره وخامت حال و سپس درگذشتش مواجه شد. شایعاتی که از سوی خانواده و همکارانش تکذیب شد و گزارش‌های منتشرشده از ادامه روند درمان او حکایت داشت. اما مسأله فقط امیر نوری نیست. پرسش مهم‌تر این است که چرا در سال‌های اخیر، خبر مرگ هنرمندان و چهره‌های آشنا، به یکی از سوژه‌های تکرارشونده شایعه در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است؟ از منظر جامعه‌شناسی ارتباطات، شایعه را نباید صرفاً یک دروغ یا خطای فردی دانست. شایعه محصول شرایطی است که در آن، اطلاعات ناقص، اضطراب اجتماعی، میل به دانستن و فقدان اعتماد یا دسترسی سریع به منبع معتبر، دست به دست هم می‌دهند. در فضای مجازی این فرآیند شتاب بیشتری پیدا می‌کند، زیرا هر کاربر بالقوه یک رسانه است و انتشار یک جمله کوتاه می‌تواند در چند دقیقه به هزاران نفر برسد. اما چرا «مرگ»؟ مرگ، شاید نهایی‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین خبر ممکن درباره یک انسان باشد. وقتی این خبر درباره چهره‌ای آشنا منتشر می‌شود، علاوه بر ارزش خبری، بار عاطفی و نوستالژیک نیز پیدا می‌کند. هنرمند برای مخاطب صرفاً یک فرد نیست، بخشی از خاطره جمعی اوست.

یک بازیگر ممکن است با یک سریال، فیلم یا شخصیت تلویزیونی، بخشی از کودکی یا جوانی میلیون‌ها نفر را نمایندگی کند. بنابراین خبر مرگ او، حتی اگر دروغ باشد، به سرعت واجد نیروی عاطفی می‌شود. از همین جا می‌توان به وجه دیگری از ماجرا رسید؛ اقتصاد توجه. در شبکه‌های اجتماعی، دیده‌شدن خود به یک ارزش تبدیل شده است. محتوایی که واکنش بیشتری ایجاد کند، بیشتر دیده و بازنشر می‌شود. خبر مرگ یک چهره محبوب، به‌طور طبیعی ظرفیت بالایی برای جلب توجه دارد. شوک ایجاد می‌کند، مخاطب را به کلیک وادار می‌کند، کامنت می‌گیرد و دیگران را به بازنشر ترغیب می‌کند. در چنین شرایطی، «مرگ» از یک واقعه انسانی به یک محرک برای تولید ترافیک و تعامل تبدیل می‌شود. این مسأله البته الزاماً به معنای آن نیست که همه کسانی که چنین شایعاتی را منتشر می‌کنند، آگاهانه قصد سوءاستفاده دارند. بخشی از بازنشرها از سر نگرانی، هیجان یا حتی همدلی اتفاق می‌افتد. کاربر ممکن است با دیدن یک تیتر تکان‌دهنده، پیش از بررسی منبع، آن را برای دیگران بفرستد. همین رفتار به ظاهر ساده، به زنجیره‌ای از بازتولید شایعه منجر می‌شود. در مورد امیر نوری، نکته قابل تأمل این است که یک واقعیت اولیه ـ بستری شدن او پس از تصادف ـ وجود داشت. همین واقعیت، زمینه مناسبی برای تولید روایت‌های نادرست فراهم کرد. ابتدا درباره وضعیت جسمانی او گمانه‌زنی شد و سپس شایعه درگذشتش انتشار یافت؛ در حالی که خانواده و همکاران او خبر مرگ را رد کردند. این اتفاق نشان می‌دهد که در عصر شبکه‌های اجتماعی، فاصله میان «خبر» و «حدس» بسیار کوتاه شده است. در رسانه حرفه‌ای، خبر باید از مسیر منبع، راستی‌آزمایی و مسئولیت سردبیری عبور کند؛ اما در شبکه اجتماعی، گاهی صرفاً یک «شنیده‌ام» می‌تواند جای گزارش را بگیرد. از سوی دیگر، شایعه مرگ هنرمندان را می‌توان نشانه‌ای از نوعی «بحران مرجعیت رسانه‌ای» نیز دانست. هرچه اعتماد به منابع رسمی و رسانه‌های حرفه‌ای کاهش یابد یا اطلاع‌رسانی درباره یک رویداد با تأخیر انجام شود، فضای بیشتری برای روایت‌های غیررسمی ایجاد می‌شود. تجربه‌های پیشین درباره شایعات سلامت و درگذشت چهره‌های فرهنگی نیز نشان داده که سرعت پایین اطلاع‌رسانی معتبر می‌تواند به گسترش روایت‌های تأییدنشده کمک کند.

با این حال، قربانی اصلی این بازی رسانه‌ای فقط حقیقت نیست، خانواده و نزدیکان فرد نیز در معرض آسیب قرار می‌گیرند. شایعه مرگ برای مخاطب ممکن است یک تیتر یا یک پست چندثانیه‌ای باشد، اما برای خانواده‌ای که فرد مورد شایعه هنوز زنده است، می‌تواند تجربه‌ای عمیقاً آزاردهنده و تکان‌دهنده باشد.

شاید مهم‌ترین درس این ماجرا این باشد که باید میان سرعت انتشار و سرعت حقیقت تفاوت بگذاریم. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند خبر را سریع‌تر از همیشه منتشر کنند، اما سریع بودن، مترادف درست بودن نیست. در جامعه‌ای که خبر مرگ یک هنرمند به ابزار جلب توجه تبدیل می‌شود، مسئولیت اخلاقی کاربر از همیشه مهم‌تر است. بنابراین باید پیش از بازنشر، منبع را ببینیم؛ پیش از هیجان، مکث کنیم و به یاد داشته باشیم که پشت هر «خبر» درباره مرگ یک انسان، زندگی واقعی او و احساسات واقعی خانواده‌اش قرار دارد. شایعه مرگ، شاید برای الگوریتم یک محتوای پربازدید باشد؛ اما برای انسان، مسأله‌ای بسیار جدی‌تر از یک کلیک است.

پوستر سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان رونمایی شد

از «میناب» تا اصفهان؛ جشنواره‌ای به وسعت رؤیاهای کودکان

گزارش

گروه فرهنگی

مراسم رونمایی از پوستر سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان به همراه رونمایی از پوستر ویژه میناب یکشنبه ۲۹ شهریور برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، حامد جعفری، دبیر سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با تبریک روز میلاد با سعادت امام حسن عسگری(ع) عنوان کرد: «در مسیر یک رویداد فرهنگی، اولین چهره‌ای که با آن روبه‌رو می‌شویم، پوستر است؛ تصویری که بناست پیش از آغاز جشنواره بخشی از هویت آن را با مخاطبان در میان بگذارد. پوستر امسال با زبان خیال به جهانی اشاره دارد که سینمای کودک و نوجوان از آن برمی‌خیزد؛ جهانی که در آن تخیل، نه حاشیه، که سرچشمه آفرینش است.»

جعفری اضافه کرد: «سی‌وهشتمین دوره جشنواره بعد از جنگی تحمیلی و دفاعی مقتدرانه در شرایطی برگزار می‌شود که برخلاف بیشتر پیش‌بینی‌ها، استقبال فیلمسازان از آن، جلوه‌ای کم‌سابقه یافته است. ثبت ۷۷۱ اثر در بخش ملی، از فیلم بلند داستانی و فیلم کوتاه تا پویانمایی، مستند و آثار مرتبط با فناوری‌های نوین، تنها یک آمار نیست؛ بلکه نشانه‌ای است از ظرفیت گسترده‌ای که همچنان در سینمای کودک و نوجوان کشور زنده است. چراکه پشت هر اثر ماه‌ها اندیشه، تلاش و آفرینش جمعی ایستاده است و در پس این حجم از تولید، باور عمیق فیلمسازان به اهمیت مخاطبی قرار دارد که آینده فرهنگی این سرزمین را رقم خواهد زد. البته برای این مهم باید قدردان تلاش همکارانم در بنیاد سینمایی فارابی هم باشم. آنها در دوره جدید با ریل‌گذاری هوشمندانه، مجالی مهیا کردند تا ثمره امروز آن، استقبال گسترده‌تر فیلمسازان از جشنواره باشد.»

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی مطرح کرد: «یقین این است که سینمای کودک، سینمایی فرعی و حاشیه‌ای نیست بلکه بخش مهمی از متن اصلی سینمای ایران است. البته اگر سینما را یکی از مهم‌ترین ابزارهای شکل‌دهی به حافظه، تخیل و جهان‌بینی نسل‌ها بدانیم، واضح و روشن است که سینمای کودک و نوجوان از بنیادی‌ترین عرصه‌های فرهنگی کشور به شمار خواهد آمد. ما از کودکی سخن می‌گوییم که جهان را در حال دگرگونی و تغییر تجربه می‌کند؛ نسلی که با تصویر، فناوری و روایت‌های گوناگون احاطه شده و بیش از هر زمان دیگری در معرض انتخاب قرار دارد. از این رو سینمای کودک امروز بیش از گذشته نیازمند خلاقیت، کیفیت، شناخت مخاطب و اعتماد به جهان ذهنی اوست.»

دبیر این رویداد توضیح داد: «کودک و نوجوان را نمی‌توان صرفاً مخاطبی کوچک‌تر از بزرگسال دانست. او صاحب جهان مستقل خویش است؛ با پرسش‌ها، رؤیاها، بیم‌ها و امیدهای خاص خود. بنابراین، باید بدانیم که فیلم کودک، فیلمی نیست که صرفاً شخصیت اصلی آن کودک باشد بلکه فیلم کودک، فیلمی است که بتواند جهان را از منظر کودک ببیند و با زبان او گفت‌وگو کند و این مسئولیت ما را سنگین‌تر می‌کند. استقبال گسترده فیلمسازان از جشنواره امسال، فرصتی ارزشمند است اما در کنار آن ضرورت توجه به اقتصاد تولید، استمرار اکران، توسعه محصول و مخاطب، حمایت از استعدادهای جوان و ایجاد زمینه‌ای پایدار برای تولید آثار باکیفیت را نیز یادآور می‌شود. هدف ما نباید صرفاً افزایش تعداد آثار متقاضی باشد؛ مسأله اصلی، ساختن آینده‌ای پایدار برای سینمای کودک و نوجوان است. آینده‌ای که در آن فیلمساز امکان تجربه و آفرینش داشته باشد، مخاطب، امکان انتخاب و تماشا و کودک و نوجوان خود را در سینمای ملی صاحب جایگاه بداند. جشنواره نیز در این میان، تنها محل نمایش و داوری فیلم‌ها نیست. جشنواره می‌تواند عرصه‌ای برای گفت‌وگوی نسل‌ها باشد؛ گفت‌وگوی سینما با جامعه و گفت‌وگوی فرهنگ ایرانی با جهان.»

وی توضیح داد: «امروز سی‌وهشتمین دوره جشنواره را رسماً آغاز می‌کنیم اما در حقیقت بیش از ۳۸ سال تجربه را با خود به آینده می‌بریم. نسل‌های بسیاری با این جشنواره خاطره ساخته‌اند. برخی از کودکان دیروز، امروز در جایگاه فیلمساز، هنرمند، منتقد و مدیر فرهنگی در کنار ما ایستاده‌اند و این شاید ماندگارترین دستاورد یک جشنواره باشد؛ اینکه بتواند مخاطب امروز خود را به آفریننده فردا تبدیل کند و چه شهری شایسته‌تر از اصفهان برای میزبانی چنین رویدادی؛ شهری که خود یکی از گنجینه‌های بزرگ فرهنگ و هنر ایران است که می‌تواند پیوند میان میراث فرهنگی گذشتگان و آینده فرهنگی کشور را به نمایش بگذارد.»

جعفری اظهار کرد: «امسال، بخش ویژه‌ای داریم که به جشنواره شکوه و عظمت دیگری بخشیده است؛ بخشی که برای آن، پوستر مستقلی طراحی شده است. این پوستر با رنگ‌ها و خطوط کودکانه‌اش، انگار هنوز به جهانی باور دارد که در آن، کودک باید با مداد، با دوربین و با خیال، آینده‌اش را نقاشی کند. بله، میناب؛ جان ایران است. نام «میناب» ما را به کودکانی می‌رساند که رؤیاهایشان در مدرسه، به قامت ملکوت قد کشیده و دیگر دنیا نمی‌تواند مدرسه شجره طیبه میناب را فراموش کند.»